

یادداشت روزانه (نمره هفدهم)

آنان که باد بپکازند، به ناچار طوفان درومی‌کنند!

امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

چه نیک گفته‌اند: «آنان که باد می‌کارند؛ به ناچار طوفان درو می‌کنند»!
به این طوفان بیش از یک ماهه که با قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، که همچنان در راه است، خوب بنگرید، این زخمی که شما طی چهل و سه سال برتن و پیکر جامعه‌ی جوان ما آنچه زدید، امروز طوفان خشمی شد که ناگزیرید خودتان دراش کنید. همانگونه که حافظ سرود: «هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت».

چلهم "مهسا"، دیروز چهارم آبان ۱۴۰۱ درسقزو "نیکا" در لرستان و "جواد حیدری"، از جانفشانان اعتراضات اخیر در روستای رحمت آباد دشتابی قزوین، امروز پنجم آبان ۱۴۰۱ و بعد چلهم‌های حدیث، سارینا، آرنیکا، حنانه، غزاله، هاجر، مینو و پُرشمارانی دیگر... که آوازه خوانان این طلوع، اولین تجربه‌ی آزاد امروز و فردای ما هستند که پشت به پشت از رخداد خونین آبان ۹۸، کاخ بیداد را به لرزه در آورده‌اند. مردم ما، بی‌امان و طوفان زار، در صفوف مبارزه‌ی خیابانی، اعتصاب و ده‌ها شکل دیگر مبارزه‌ی رو در رو با حاکمان و قوای سرکوبگر آن، در صفی یگانه به پیش می‌تازند!
مراسم چلهم مهسا امینی در سقز مقاوم، بار دیگر نشان داد که مهسا دختر سقزو کردستان به تنهایی نیست، بلکه اودختر همه‌ی ایران نیز هست. روز پنجم آبان ۱۴۰۱ بسیاری نقاط کشور، تجمعات اعتراضی گوناگون در حداقل ۱۵۰ منطقه و خیابان و در دست کم ۵۷ ناحیه، لاقلاً ۱۸ دانشگاه و اعتصاب سراسری را شاهد بودیم. دست کم ۱۲ شهر از جمله: شهرهای کردستان (سقز، بانه، پیرانشهر، دیواندره، دهگلان، جوانرود، کامیاران، سردشت، مریوان و مهاباد و...) اعتصاب و بسته شدن بازارها، مغازه‌ها و کسب و کارها رخ داد و در تهران، کرج، همدان، مشهد، اصفهان، قزوین، کرمان، تبریز، شیراز، بجنورد، گرگان، رشت و دیگر شهرهای کشور، تجمعات گسترده و بی نظیری برپا شد. شمار معترضین در اغلب شهرها چشمگیر و در نقاط مختلف تهران، تعطیلی بخشی از بازار تهران، لاله زار، سپهسالار و بازار کامپیوتر را شاهد بودیم؛ که این مجموعه اعتراضات و رو در رویی‌ها، توان مزدوران حامی سرمایه را گرفته بود.

در روزهای اخیر جامعه‌ی پزشکان کشور را در شیراز و تهران و مشهد با گاز اشک‌آور زدند و دانشجویان دانشگاه‌های مختلف و خاصه دختران دانشجو را با رگبار دشنام نیروهای بسیجی چماقدار خویش اینجا و آنجا، مورد اذیت و آزار قرار دادند.

آنچه در پهنه‌ی خیابان‌های ایران دیده می‌شود و به درون مدارس، دانشگاه‌ها، همه‌ی تجمعات انسانی جامعه از اهل هنر و نویسندگان و شاعران گرفته تا وکلا و پزشکان، گولبران و سوخت بران، زنان، پرستاران و کادر درمان، دانش‌آموزان و معلمان، دانشجویان و استادان، بازنشستگان و لایه‌های

گونگون کارگران و زحمتشکان روستایی، مالباختگان، معلولین جنگی، درویش اهل حق و بهائیان و... در برابر منظر جنایت بیش از چهار دهه حکومت خوف و وحشت، دستگیری، زندان، کشتار در درون زندان‌ها و صدور احکام سنگین برای زندانیان سیاسی و عقیدتی، کشیده شده، پنجه در پنجه افکندن با پیکره‌ی پیکاری‌ست که امروز در همه‌ی خیابان‌های ایران برابر شما به صف شده‌اند تا داد خود ستانند و شما را خوار و خفیف، زبون و زمینگیر سازند، تا آنچه را لازمه‌ی برخورد با شما بوده است، برسرشان آوردند و نشان دادند که در این آوردگاه، عرصه‌ی سیمرخ در کدام سوست!

آن جنایتی که شما با زندانی می‌کنید نه از سرفدرت، بلکه نشان از استیصال و بزدلی دستگاه قضای شماست؛ که زندانی را در دشوارترین وضعیت ممکن زیر بازجویی می‌کشید تا خود را محق به پرونده‌سازی بر بستر اتهامات نخ‌نمای دروغین و متهم ساختنش به شرکت در این و آن سناریوی امنیتی سوخته، نشان دهید و با دربند کشیدن بهترین فرزندان مردم، این جامعه را از حضور و اثرات سازنده‌ی آن‌ها محروم کنید. بی‌جهت نیست که مردمان ما در کف خیابان‌ها شعار می‌دهند: «ایران شده بازداشتگاه، اوین شده دانشگاه»

در تمامی بوق و کرناهای دست‌گاه‌های خبری‌تان تاکنون چند بار گفتید: "مسأله پایان یافت" اما پایان نیافت بلکه با حدت تمام ادامه دارد و آن‌گونه که ضرب‌آهنگ پنج بال پر پرواز جنبش عظیم مهر و آبان در برابر تان دهان واکرده، یعنی ۱- اعتراضات دانش‌آموزان مدارس ۲- اعتراضات دانشجویان دانشگاه‌ها ۳- حضور مداوم نیروی وسیع جوانان در خیابان‌ها ۴- اعتصابات سراسری اصناف و بازاریان ۵- اعتصابات کارگران، این جنبش تا نابودی شما ادامه خواهد یافت. نمی‌توان مأیوس ماند که این جنبش عظیم فرونشیند و در ادامه‌ی مسیر بایستد، برای استراحت اتراق و نفس تازه می‌کند، ولی از پای نمی‌نشیند.

دریستر چنین شرایطی که جنبش به نقطه‌ی اوج خود فرا می‌رود، تیراندازی چهارشنبه پنجم آبان در شاه چراغ شیراز، نشان از خوف و وحشت نظام از پایان خویش در برابر پیشروی شتابان عصیان انقلابی مردم بود، مصداق «العریق یتشبث بکل حشیش» چون غریقی که به هر خس و خاشاکی برای نجات خود از این ورطه چنگ می‌زند، برای اثبات حقانیت نداشته‌ی خود و محکومیت اعتراضات آزادیخواه‌ی مردم به هرکاری برای نجات خود دست می‌زنند، این اقدامات نابخردانه نه در گنجای باور مردم جایی دارد و نه هیچ عقل سلیمی ادعای انجام آن عملیات تروریستی توسط داعش را باور می‌کند. زیرا که مردم ما اعمال این‌گونه‌ای از حاکمیت را پیشتر و به دفعات دیده و سنجیده‌اند و می‌دانند که این جماعت هیچ استخوان راستی در هیكلشان نیست. همچنان که بمب‌گذاری در صحن امام رضای مشهد را باور نکردند. همچنانکه ریزش ساختمان پلاسکوی تهران و متروپل آبادان را باور نکردند؛ به یاد می‌آوریم: که در انقلاب ۵۷، حاکمیت جهل و جنون و جنایت اسلامی با مراسم عزاداری چهل‌شهادی آن سال‌ها برگردیده قدرت پرید و این زمان با مراسم پی‌درپی چهل‌جانفشانیان ما، استمرار مبارزات مردم، این پیکره‌ی زشت و کریه حکومت نکبت اسلامی را از صحنه‌ی تاریخ به زباله‌دان تاریخ می‌فرستند.

ایدون باد!

پنجشنبه ۵ آبان ۱۴۰۱ برابر با ۲۷ اکتبر ۲۰۲۲

<http://karegari.com>